

بررسی مقارنه‌ای الگوی مواجهه بخاری با روایات فضائل امام علی علیه السلام در مقایسه با محدثان سده‌های نخستین

حسن بلقان آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

محمد افشاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

چکیده

فضائل بی‌کران امام علی علیه السلام در بسیاری از آثار محدثین بزرگ قرون اولیه اهل سنت بازتاب یافته است. روایت‌نگاران و علماء اهل سنت به فراوانی فضائل و مناقب امام علی علیه السلام اذعان داشته‌اند. همچنین، بسیاری از آنان بخشی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. با این وجود، فضائل امام علی علیه السلام در کتاب‌های بخاری به گونه‌ای کم‌رنگ نمایان است که مثلاً در کتاب صحیح، تنها هفت روایت در باب فضائل حضرت علی علیه السلام نقل کرده است. از این روی پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و رویکرد تحلیلی با بررسی نحوه نقل مشهورترین روایات فضائل امام علی علیه السلام در آثار بخاری و نقل همان فضائل از منظر محدثین سده‌های نخستین و هم‌عصر بخاری، درصدد دستیابی به الگوی مواجهه او با روایات فضائل امام علی علیه السلام می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مواجهه بخاری با روایات فضائل امام علی علیه السلام بر سه رکن زیر استوار است: الف) نقل نکردن بسیاری از روایات فضائل امام علی علیه السلام در موضوعاتی همانند شأن نزول آیه مباحله و آیه تطهیر، حدیث مدینه العلم و...؛ ب) دخل و تصرف یا نقل به شکل مقلوب در روایاتی همانند شأن نزول آیه مودت، حدیث سدالابواب و حدیث رأیت؛ ج) تضعیف و انکار در روایاتی همانند حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث سدالابواب و حدیث طبر.

واژگان کلیدی: بخاری، فضائل، امام علی علیه السلام.

۱. مدرس سطوح عالی و مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، پژوهشگر کلام و مذاهب اسلامی موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام. bolghanabadei@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، پژوهشگر تاریخ موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام، «نویسنده مسئول». mohammadafshari213@gmail.com

مقدمه

رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیث متواتر و معروف «ثقلین»، اهل بیت را قرین کتاب خدا قرار داده و تمسک هم‌زمان به قرآن و اهل بیت را ضامن هدایت و عدم گمراهی مسلمانان معرفی کرده است. بسیاری از راویان و علمای اهل سنت به فراوانی فضائل و مناقب امام علی علیه السلام اذعان داشته و برخی از آنان کتاب‌های مستقلی در این باره نگاشته‌اند. همچنین، بسیاری از آنان بخشی از کتاب‌های خود را به فضائل و مناقب امام علی علیه السلام اختصاص داده‌اند.

از دیدگاه علمای اهل سنت همچون احمد بن حنبل، نسائی، اسماعیل قاضی و ابوعلی نیشابوری، مناقبی که برای علی علیه السلام وجود دارد، برای هیچ‌یک از صحابه پیامبر ﷺ وجود ندارد. (ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: باب ۹، ح ۳۷۰۱ - ۳۷۰۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۱۶/۳؛ عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۸۹/۷) عبدالله بن عباس تعداد فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام را نزدیک به سی هزار منقبت و فضیلت می‌داند. (سبط بن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۱۶۷/۱) برخی از علماء حدود هفتاد و برخی دیگر حدود ۱۲۰ منقبت منحصر بفرد را برای حضرت علی علیه السلام ذکر کرده‌اند. (حاکم حسکانی؛ ۱۴۱۱ق: ۲۴/۱)

اندیشمندان برجسته‌ای همچون مسعودی (م. ۳۴۶ق) (بی تا: ۴۷۳/۲) ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) (۱۴۰۵ق: ۱۶) ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) (۱۴۱۶ق: ۶۱/۱) خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) (بی تا: ۱۳۳/۱) و... با اعتراف به فراوانی فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام، تنها به ذکر قطره‌ای از دریای بی کران فضائل و مناقب آن حضرت پرداخته‌اند.

کتاب‌های «فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» نوشته احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) «خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» نوشته نسائی (م. ۳۰۳ق) «الذریة الطاهرة» نوشته دولابی (م. ۳۱۰ق) «زین الفتی فی شرح سورة هل اتی» نوشته عاصمی (م. ۳۷۸ق) «مناقب علی بن ابی طالب» نوشته ابن مردویه (م. ۴۱۰ق) «مناقب علی بن ابی طالب» نوشته ابن مغازلی (م. ۴۸۳ق) «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل» نوشته حاکم حسکانی (م. اوخر سده پنجم) و... تنها بخشی از آثار ارزشمندی هستند که توسط علماء اهل سنت در باب فضائل و مناقب حضرت علی و اهل بیت علیه السلام به رشته تحریر درآمده‌اند. این مناقب و فضائل نشان‌دهنده جایگاه وی در اسلام و اهمیت ایشان در نظر علماست.

با این همه، نگاهی گذرا به آثار محمد بن اسماعیل بخاری (م. ۲۵۶ق) نویسنده مهم‌ترین کتاب روایی اهل سنت با عنوان *الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و آله و سننه و آیامه* معروف به «صحیح بخاری»، نشان می‌دهد که فضائل امام علی علیه السلام در کتاب‌های او بسیار کم‌رنگ نمایان است. نکته قابل توجه آن است که کسی خدشه نکند که چرا روایت نقل شده و مورد قبول بخاری همانند حدیث منزلت در الگوی مواجهه بخاری مورد ذکر قرار نگرفته است؛ چرا که در یک نگاه کلی نیز می‌توان فهمید که صرف میزان نقل روایات فضائل امام علی علیه السلام - مشهور و غیر مشهور - فارغ از قبول یا عدم قبول روایات توسط بخاری در برابر فضائل بی‌کران امام علی علیه السلام بسیار ناچیز می‌باشد به گونه‌ای که مثلاً در کتاب صحیح، تنها هفت روایت در باب فضائل حضرت علی علیه السلام نقل کرده است که از این هفت مورد تنها حدیث مشهور و مقبول توسط بخاری همان منزلت می‌باشد. (بخاری، ۱۴۳۰ق: ۷۴۲-۷۴۴) از سویی بررسی تمامی روایاتی که بخاری نقل نکرده نیز نیاز به تحقیق جداگانه و زمان بیشتری دارد. از این روی پژوهش حاضر با استفاده از روش مقایسه‌ای و رویکرد تحلیلی با بررسی نحوه نقل مشهورترین روایات فضائل امام علی علیه السلام در آثار بخاری، همراه با تأکید بر نقل‌های محدثان قرون اولیه و هم‌عصر بخاری، در صدد دستیابی به الگوی مواجهه او با روایات فضائل امام علی علیه السلام می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

درباره بخاری و کتاب صحیحش کتاب‌ها، مقاله‌ها و جزوات متعددی نوشته شده است و نویسندگان مختلفی از زوایای متعدد به بررسی و نقد او و کتاب‌هایش پرداخته‌اند. اما هیچ پژوهشی مستقلاً به الگوی مواجهه او با روایات فضائل امام علی علیه السلام نپرداخته است. از این روی در این پژوهش با بررسی نحوه نقل مشهورترین روایات فضائل امام علی علیه السلام در آثار بخاری، همراه با تأکید بر نقل‌های محدثین سده‌های نخستین و هم‌عصر وی تلاش شده است تا الگوی مواجهه او با روایات فضائل امام علی علیه السلام کشف گردد.

برخی از کتاب‌هایی که با رویکرد و نگاه انتقادی درباره بخاری و کتاب‌هایش نوشته شده، عبارتند از:

۱. کتاب «القول الصراح فی البخاری و صحیحہ الجامع»، نوشته فتح‌الله بن محمد جواد معروف به شیخ الشریعه اصفهانی م ۱۳۳۹ق. این کتاب با تحقیق شیخ حسین هرساوی

در سال ۱۴۲۲ق توسط مؤسسه امام صادق علیه السلام به چاپ رسیده است. کتاب در سه فصل تدوین گردیده که تنها در فصل اول با عنوان «الفصل الأول: الالزامات المعاند و روایات المناقب» به بخشی از دخل و تصرف‌های بخاری در روایات فضائل اشاره شده است.

۲. کتاب «کشف المتواری فی صحیح البخاری»، نوشته محمد جواد خلیل، که براساس همان

ترتیب صحیح بخاری به بررسی و نقد محتوایی روایات صحیح بخاری پرداخته است.

۳. کتاب «بخاری و ناصبی‌گری، تاملی در زندگی و مبانی رجالی و حدیثی محمد بن

اسماعیل بخاری» نوشته حسن بلقان آبادی، که با مقدمه حضرت آیت الله نجم‌الدین

طبسی توسط انتشارات دلیل ما چاپ گردیده است. نویسنده با بیان مواجهه بخاری با

اهل بیت علیهم السلام و روایات فضائل آنان و راویان محب اهل بیت علیهم السلام و مقایسه آن با روش

برخورد او با دشمنان اهل بیت علیهم السلام و روایات آنان و راویانی که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی

داشته‌اند، درصدد نشان دادن شواهد نصب و دشمنی بخاری با اهل بیت علیهم السلام در کتب

او می‌باشد.

۴. کتاب «راویان ناصبی و خارجی در صحاح سته»، نوشته عبدالرحمان باقرزاده که

توسط انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام به چاپ رسیده است. نویسنده با پرداختن

به مطالبی از قبیل معنای نصب و ریشه‌های آن، معرفی فرقه عثمانیه به عنوان مصداقی

از نواصب و بیان شرح حال ۸۵ نفر از راویان صحاح سته، ثابت می‌کند بسیاری از

آنان ناصبی هستند.

۲. شناخت‌نامه بخاری

محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره جعفری^۱ بخاری، یکی از بزرگ‌ترین محدثان

اهل سنت است. او در ۱۳ شوال ۱۹۴ هجری قمری در بخارا، یکی از شهرهای فرارود

(ازبکستان امروزی)، به دنیا آمد (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۱۰/۲) و بنا بر نظر اکثر مورخین و

تراجم‌نویسان اهل سنت در شب عید فطر سال ۲۵۶ق در روستای «خرتنک»، نزدیک

سمرقند، درگذشت. (همان، ۳۱/۲)

۱. به بخاری «جعفری» اطلاق شده، چون جدش مغیره توسط یمان بخاری جعفری والی بخارا اسلام آورده

است. (نوی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۶/۱)

وی در سن ۱۰ سالگی، هطنگام حضور در مکتب، حفظ هزاران حدیث را با مطالعه کتاب‌های ابن مبارک آغاز کرد. (همان، ۷/۲) سپس در سن ۱۶ یا ۱۸ سالگی، همراه با مادر و برادرش به مکه سفر کرد و جهت یادگیری حدیث در مکه ماند. در این مسافرت، در کنار قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کتاب *التاریخ الکبیر* را نوشت. (همان)

بخاری برای یادگیری و جمع‌آوری حدیث، افزون بر مکه به مدینه، بلخ، سمرقند، هرات، واسط، نیشابور، ری، مرو، بغداد، بصره، کوفه، عسقلان، مصر، حمص و دمشق سفر کرد. او هشت بار به بغداد، مسافرت کرد و در همه این سفرها به ملاقات و دیدار احمد بن حنبل می‌رفت. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۲۸/۱۱) بخاری شش سال در منطقه حجاز (مکه و مدینه) اقامت داشته و دو بار به شام، مصر و جزیره، و چهار بار به بصره سفر کرده است. (عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۵۰۲) همچنین در سال ۲۵۰ ه.ق به ری رفت و با ابوحاتم رازی و ابوزرعه رازی ملاقات داشت. (همان)

ایشان در طول زندگی از حضور افرادی چون ابونعیم، ابوولید طیالسی، حمیدی، علی بن مدینی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابراهیم حربی، باغندی، ابن صاعد و... کسب دانش نمود. (مزی، ۱۴۱۴ق: ۸۵-۸۴/۱۶؛ نووی، ۱۴۳۰ق: ۱۴۰/۱-۱۴۲)

بخاری به‌خاطر کتاب مشهورش، «صحیح بخاری»، که یکی از معتبرترین کتب حدیث در میان اهل سنت است، شناخته می‌شود. این کتاب شامل ۷۲۷۵ حدیث بدون حذف مکررات است که بخاری از میان ششصد هزار حدیث جمع‌آوری کرده و معتبر دانسته است. (نووی، ۱۴۲۸ق: ۱۴۴/۱) وی علاوه بر صحیح بخاری، کتاب‌های دیگری نیز تألیف کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان: *التاریخ الکبیر*، کتاب *الکنی*، *الضعفاء الصغیر*، *الأدب المفرد*، *رفع الیدین فی الصلاة*، *بر الوالدین*، *التاریخ الصغیر* و *خلق أفعال العباد* اشاره کرد. (جهت آشنایی بیشتر با شرح حال محمد بن اسماعیل بخاری ر.ک: خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴/۲-۳۴؛ مزی، ۱۴۱۴ق: ۸۴/۱۶-۱۰۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۳۹۱/۱۲-۴۷۱؛ همو، ۱۴۲۸ق: ۱۰۴/۱-۱۰۵؛ سبکی، بی‌تا: ۲۱۲/۲-۲۴۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق: ۴۷-۴۱/۹؛ عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۵۰۱؛ نووی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۶/۱-۱۴۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۲۷/۱۱-۳۱)

۳. الگوی مواجهه بخاری با روایات فضائل امام علی علیه السلام

علامه مجلسی درباره نوع برخورد بخاری با روایات اظهار داشته است که هر کسی که تبعی در کتاب بخاری دارد، بدانند که عادت او در روایاتی که با عقاید فاسد آن‌ها منافات دارد، یا

آن را از روایت حذف می‌کند یا با کنایه تعبیر می‌کند تا نادانان را فریب دهد و بلکه روایاتی را که با عقاید آن‌ها در تضاد است کنار می‌گذارد. او همچنین اشاره کرده است که سنت عامه این است که آنچه را که با عقایدشان منافات دارد، «غیر صحیح» بخوانند، لذا صحیح بخاری را در مقایسه با سایر کتب، مقدم می‌دانند. (مجلسی، بی تا: ۴۷۰/۳۰)

با توجه به سخن علامه مجلسی در ادامه با بررسی نحوه نقل مشهورترین روایات فضائل امام علی علیه السلام در آثار بخاری، همراه با تأکید بر نقل‌های محدثان سده‌های نخستین و هم‌عصر بخاری به الگوی مواجهه او با روایات فضائل امام علی علیه السلام می‌پردازیم.

۱-۳. نقل نکردن بسیاری از روایات فضائل امام علی علیه السلام

همان‌طور که در چند سطر قبلی از سخن علامه مجلسی در نوع برخورد بخاری با روایات یاد شد، یکی از شیوه‌های مواجهه بخاری با مشهورترین فضائل امام علی علیه السلام نقل نکردن و ترک آن روایت‌ها است که در ادامه مصادیقی از این موارد ذکر می‌گردد.

۱-۳-۱. شأن نزول آیه مباهله

روایات مربوط به شأن نزول آیه مباهله^۱ و مباهله رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران و نزول آیه مباهله یکی از فضائل و مناقب قرآنی حضرت علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌باشد. بخاری ماجرای آمدن مسیحیان نجران به مدینه را ذکر کرده، (بخاری، ۴۳۰ق: ۸۶۸) اما هیچ اشاره‌ای به ماجرای نزول آیه مباهله در شأن امام علی و اهل بیت علیهم السلام نمی‌کند و هیچ ذکری از جزئیات این داستان و این که افراد حاضر در مباهله همراه پیامبر چه کسانی بودند به میان نیاورده است! این در حالی است که این روایت توسط مفسرین، محدثین، مورخین و علماء رجال و تراجم اهل سنت سده‌های نخستین و هم‌عصر بخاری همانند مسلم بن حجاج نیشابوری (م. ۲۶۱ق) (۱۴۲۸ق: ۱۱۱۲) ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۴۳۲ق: ۵۴۱ و ۶۷۰) و طبری (م. ۳۱۰ق) (۱۴۱۵ق: ۴۰۷/۳-۴۱۰) و بسیاری از عالمان بعد از او همچون ثعلبی (م. ۴۲۷ق) (۱۴۲۲ق: ۸۵/۳) ابن جوزی (م. ۵۹۷ق) (۴۲۹ق: ۲۰۸/۱) مجدالدین ابن اثیر جزری

۱. «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» «هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آل عمران: ۶۱)

(م. ۶۰۶ق) (۱۴۲۸ق: ۳۶۴/۷) عزالدین ابن اثیر جزری (م. ۶۳۰ق) (۱۴۲۹ق: ۹۹/۴؛ ۱۴۰۸ق: ۶۴۶/۱) قرطبی (م. ۶۷۱ق) (۱۴۲۷ق: ۳۵۲/۲) ذهبی (م. ۷۴۷ق) (بی‌تا: ۶۲۷/۳؛ ۱۴۱۷ق: ۲۳۰) ابن کثیر دمشقی (م. ۷۷۴ق) (۱۴۰۹ق: ۴۹/۵؛ ۱۴۰۶ق: ۳۷۹/۱) و ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق) (۱۴۰۷ق: ۹۲/۷؛ ۲۰۱۰م: ۴۶۷/۴) نقل و تأیید شده است.^۱

۳-۱-۲. شأن نزول آیه تطهیر

یکی دیگر از فضائل قرآنی امام علی علیه السلام آیه تطهیر است.^۲ با مراجعه به معجم‌های روایی اهل سنت درمی‌یابیم که بسیاری از مفسرین، محدثین و مورخین معاصر بخاری همچون ابن ابی شیبه، (م. ۲۳۵ق) (۱۴۰۹ق: ۵۰۱/۷) احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (بی‌تا: ۳۰۴/۶؛ ۱۴۳۰ق: صص ۱۷۰-۱۷۱ و ۱۸۳-۱۸۴ و ۲۴۲ و ۲۹۹-۳۰۰ و ۳۱۹) و مسلم بن حجاج نیشابوری (م. ۲۶۱ق) (بی‌تا: ۱۸۸۳/۴) و نیز اندیشمندان بعد از او همچون ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۱۴۳۲ق: ۵۸۰ و ۶۷۸) احمد بن شعیب نسائی (م. ۳۰۳ق) (بی‌تا: ۶۱ و ۷۱ و ۸۷) محمد بن جریر طبری (م. ۳۱۰ق) (۱۴۱۵ق: ۹/۲۲-۱۲) ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق) (۱۴۲۴ق: ۳۱۳۳-۳۱۳۱/۹) طبرانی (م. ۳۶۰ق) (بی‌تا: ۵۶-۵۲/۳ و ۲۶۷۰ و ۳۳۳۳-۳۳۳۲/۲۳) ثعلبی (م. ۴۲۷ق) (۱۴۲۲ق: ۳۶/۸-۴۴) ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق) (۱۴۱۵ق: ۲۰۴/۳) ابن اثیر جزری (م. ۶۳۰ق) (۱۴۲۹ق: ۱۷/۲ و ۲۷؛ ۱۰۴/۴؛ ۲۱۸/۷) و ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق) (۲۰۱۰م: ۴۶۷/۴، ۲۶۵/۸) به نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده‌اند.

طبق آیه قرآن و شأن نزول مطرح شده در روایات، خداوند اراده فرموده که از این پنج نفر هرگونه پلیدی را دور کند. لفظ «إنما» در آیه دلالت بر انحصار اراده خدا در این افراد دارد و فعل مضارع از استمرار این حکم حکایت می‌کند. پس این روایات فقط شأن نزول یک فضیلت و یا توصیف به نیکی در مورد خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیست، بلکه معرفی فانوس یقین برای گمشدگان در امواج تردیدهاست؛ آنان که به حکم الهی برای همیشه از هرگونه پلیدی و خطاء در امان‌اند و می‌توانند معیار شناسایی خیر از شر شوند. اما بخاری در

۱. جهت آشنایی بیشتر با منابع ر.ک: «مناسبات فکری عثمانیه و ابن تیمیه درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام» نوشته محمد محسن طوسی.

۲. «وَقَوْلٌ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «او در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». (احزاب: ۳۳)

هیچ یک از آثار حدیثی خود به این فضیلت مشهور اشاره نکرده، و انبوه روایات موجود در منابع اهل سنت را نادیده گرفته است.

افزون بر آن که اگر بپذیریم که شرط بخاری در صحت حدیث، ملاقات با راوی می‌باشد، باز هم اسناد روایت شأن نزول آیه تطهیر بر طبق شرط بخاری صحیح است. توضیح آنکه سلسله سند روایت آیه تطهیر از قول عائشه در صحیح مسلم از محمد بن عبدالله نمیر شروع می‌شود. (نیشابوری، بی تا: ۱۸۸۳/۴) شخصی که بخاری در باب قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: وَيَوْمَ حُنَيْنٍ: سلسله سند را از او شروع کرده و با او ملاقات داشته است (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۱۵۳/۵) و درباره بقیه راویان موجود در سند نیز به نظر می‌رسد شرط بخاری محقق است و اشکالی از این جهت در سند روایت ایجاد نمی‌گردد. پس اگر بخاری در نقل روایت، ملاقات راوی را شرط می‌داند، شرط وی در مورد او محقق شده است؛ بنابراین بخاری باید این روایت را نقل می‌نمود. اگر هم قائل شویم بر اینکه بخاری احادیثی را که در صحیح مسلم وارد شده صحیح نمی‌داند، باید به این پرسش پاسخ داد که پس چگونه جامعه اهل سنت بر صحت روایات صحیحین اجماع دارند؟!

۳-۱-۳. حدیث «لَا يَحِبُّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ» و لَا يَبْغُضُكَ إِلَّا الْمُنَافِقُ

بر اساس روایات فراوانی که توسط تعدادی از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل شده است، حبّ و بغض حضرت علی عليه السلام یکی از نشانه‌های ایمان و نفاق معرفی شده است. درباره بخش اصلی این حدیث اگر ادعای تواتر لفظی نداشته باشیم، لا اقل تواتر معنوی وجود دارد؛ زیرا در منابع متعددی با تعابیر و مضامین مشابه ذکر شده است. (ابن حنبل، بی تا: ۱۱۸/۱ و ۱۱۹؛ ترمذی، ۱۴۳۲ق: ۶۶۹؛ طبرانی، بی تا: ۳۱۹/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۳۳/۳؛ خطیب بغدادی، بی تا: ۴۱/۴؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۹۵/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۲۰۵/۴۵؛ ابن اثیر، ۱۴۲۹ق: ۴۳۸/۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۹/۱۳) احمد بن حنبل با اذعان به صحت این روایات، حضرت علی عليه السلام را تقسیم کننده بهشت و جهنم معرفی کرده است. (ابن ابی یعلی، بی تا: ۳۲۰/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۲۲۹/۴۵)

بسیاری از علماء اهل سنت معاصر با بخاری و سده‌های نخستین از جمله احمد بن حنبل، مسلم نیشابوری، ترمذی، نسائی و ابن ماجه قزوینی حدیث مذکور را در صحاح، سنن و مسانید خود ذکر کرده‌اند. (ابن حنبل، بی تا: ۸۴/۱، ۹۵ و ۱۲۸؛ نیشابوری، ۱۴۲۸ق: ۹۱؛ ترمذی،

۱۴۳۲ق: ۶۷۲؛ نسائی، ۱۴۲۸ق: ۹۷۱؛ ابن ماجه، ۱۴۳۲ق: ۱۹) بنابراین بعید است بخاری از آن بی اطلاع مانده باشد، با وجود این، بخاری هیچ اشاره‌ای به حدیث مذکور نمی‌کند. با توجه به اینکه دشمنی با حضرت علی علیه السلام یعنی داخل شدن در زمرة نفاق و منافقین که قرآن در عاقبت آنان می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»؛ «بی‌تردید منافقان در پایین‌ترین طبقه از آتش جهنم‌اند و هرگز برای آنان یابوری نخواهی یافت» (نساء: ۱۴۵) این‌گونه به نظر می‌رسد بخاری برای نجات برخی از مشایخ و واسطه‌ها در سلسله اسنادش مثل عمران بن حطان که از دشمنان حضرت علی علیه السلام و از رؤس خوارج بود، این روایت را کنار گذاشته است. (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۴/۴)

۳-۱-۴. حدیث مدینه العلم

روایت مشهور «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها»، «أنا دارالحكمة و علیُّ بابها» و «أنا مدينة الحكمة و علیُّ بابها» از جمله فضائل حضرت علی علیه السلام است که توسط بسیاری از محدثین و مورّخین اهل سنت از طریق حضرت علی علیه السلام، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن عمر نقل شده است.

بخاری در حالی از نقل این حدیث در آثار خود چشم‌پوشی کرده که از محدثان سده‌های نخستین عالمانی همچون احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (۱۴۳۵ق: ۲۴۵-۲۴۶؛ ۱۴۱۰ق: ۴۱/۱) ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۱۴۳۲ق: ۶۷۰) طبرانی (م. ۳۶۰ق) (بی‌تا: ۵۵/۱) حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) (۱۴۲۲ق: ۱۳۷/۳-۱۳۸) ابن مردویه (م. ۴۱۰ق) (۱۴۲۲ق: ۸۶-۸۵) ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) (۱۴۱۶ق: ۶۱/۱ و ۶۴؛ ۱۴۲۲ق: ۱۰۵/۱-۱۰۶) خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) (بی‌تا: ۳۷۷/۲ و ۳۴۸/۴؛ ۱۷۳/۷؛ ۴۸/۱۱ و ۲۰۴ و ۲۰۵) ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق) (۱۴۱۵ق: ۲۰۵/۳) ابن مغازلی (م. ۴۸۳ق) (۱۴۰۲ق: ۸۷-۸۰) حاکم حسکانی (م. اواخر سده پنجم) (۱۴۱۱ق: ۱۰۴/۱ و ۴۳۲) زمخشری (م. ۵۳۸ق) (۱۴۲۶ق: ۳۵/۲) و سمعانی (م. ۵۶۲ق) (۱۴۰۸ق: ۴۷۵/۳) آن را نقل کرده‌اند.

یحیی بن معین حدیث مذکور را از نظر سند، صحیح می‌داند. (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۲۹۱/۴۵؛ عسقلانی، ۱۳۹۵ق: ۲۸۵/۶) زرکشی می‌گوید: حدیث «مدینه العلم» جعلی و ضعیف نیست، بلکه حدیثی حسن و قابل احتجاج می‌باشد. (مناوی، ۱۴۱۵ق: ۶۴/۳) سیوطی آن را بالاتر از حسن، بلکه صحیح می‌داند. (غماری، ۱۴۲۸ق: ۱۴۳؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق: ۱۳۵) ابن حجر

عسقلانی با استناد به طرق فراوان این حدیث در کتاب مستدرک، آن را دارای اصل و حقیقت دانسته است. (عسقلانی، ۱۴۱۶ق: ۱۵۳/۲)

ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) روایت «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها» را به‌عنوان یکی از فضائل و مناقب مختصّ حضرت علیؑ ذکر کرده (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۶۱/۱) و «باب المدینه» را یکی از اسامی و القاب حضرت علیؑ دانسته است. (همو، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۱) سمعانی نیز «باب مدینه العلم» را به‌عنوان یکی از القاب حضرت علیؑ بیان کرده است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ۴۷۵/۳)

عینی در شرح صحیح بخاری، در ماجرای جنگ خیبر به ذکر ویژگی‌ها و فضائل اختصاصی حضرت علیؑ پرداخته و این حدیث را به‌عنوان یکی از فضائل منحصر بفرد حضرت علیؑ ذکر کرده است. (عینی، بی‌تا: ۲۱۵/۱۶)

۳-۱-۵. «حدیث سفینه» و «علی مع الحق»

رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیث «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح، من رکبها نجا و من تعلّق بها فاز و من تخلّف عنها غرق»، اهل بیتؑ را به کشتی نجات تشبیه کرده و پیروی و تبعیت از آنان را ضامن هدایت و رستگاری، و تخلّف و دوری از اهل بیتؑ را باعث غرق شدن در گمراهی دانسته است. این حدیث توسط ابن‌ابی‌شیبیه استاد بخاری و بسیاری از محدثین، مفسرین و مورّخین اهل سنت، از چند نفر از صحابه معروف همچون حضرت علیؑ، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و ابوذر نقل شده است.^۱ (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق: ۵۰۳/۷؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۵ق: ۲۵۲؛ طبرانی، بی‌تا: ۴۵/۳ و ۴۶ و ۲۷/۱۲؛ خطیب بغدادی، بی‌تا: ۹۱/۱۲؛ ابن‌حاتم رازی، ۱۴۲۴ق: ۱۲۳/۴؛ سیوطی، ۱۴۲۴ق: ۳۸۸/۲ و ۴۳۰/۵)

همچنین حدیث «الحق مع علی و علی مع الحق» (دینوری، ۱۳۸۸ق: ۷۸/۱؛ ترمذی، ۱۴۳۲ق: ۶۶۹؛ ابویعلی، ۱۴۱۸ق: ۲۵۳/۱؛ طبرانی، بی‌تا: ۳۲۹/۲۳ و ۳۹۵ و ۳۹۶؛ خطیب بغدادی، بی‌تا: ۳۲۱/۱۴؛ ابن‌عساکر، ۱۴۲۱ق: ۳۴۳/۴۵ و ۳۴۴ و ۲۴۶/۲۲؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۹/۱۵؛ همو، بی‌تا: ۶۳۵/۳ و ۶۴۲) و حدیث مؤاخات (صنعانی، بی‌تا: ۴۸۵/۵ و ۲۲۷/۱۱؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۵۰/۲؛ ابن‌سعد، بی‌تا: ۲۲/۳؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق: ۲۶۵/۶ و ۵۰۷/۷؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۲۳۰/۱؛ بلاذری، ۱. جهت آگاهی بیشتر از منابع و مدارک حدیث سفینه ر.ک: «مناسبات فکری عثمانیه و ابن‌تیمیه درباره فضائل اهل بیتؑ» نوشته محمد محسن طوسی.

۱۴۱۷ق: ۳۱۸/۱ و ۳۷۸/۲؛ یعقوبی، بی‌تا: ۳۹/۲؛ ترمذی، ۴۳۲ق: ۶۷۰؛ طبرانی، بی‌تا: ۲۲۱/۵؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳ق: ۱۴۱/۱-۱۴۲) و... روایات دیگری هستند که با کمی تفاوت در الفاظ، در بسیاری از منابع حدیث و رجال اهل سنت توسط عالمان آنان نقل شده‌اند، اما بخاری هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن‌ها نکرده است. همان‌طور که گفته شد بررسی تمام روایات فضائل در ذیل این مقاله نمی‌گنجد، لذا به بیان مهمترین آن‌ها پرداخته‌ایم.

۲-۳. دخل و تصرف یا نقل به شکل مقلوب

همان‌طور که در ابتداء مقاله با استفاده از سخن علامه مجلسی نوع برخورد بخاری با روایات یاد شد؛ یکی از شیوه‌های مواجهه بخاری با فضائل امام علی علیه السلام تعبیر با کنایه به همراه دخل و تصرف و یا نقل به شکل مقلوب برای فریب نادانان می‌باشد که در ادامه مصادیقی از این موارد ذکر می‌گردد.

۳-۲-۱. شأن نزول آیه مودت

بسیاری از محدثان، مفسران اهل سنت آیه مودت^۱ و روایات وارده در ذیل آن و ارتباط آن با اهل بیت علیهم السلام را در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند.^۲

عبدالله بن عباس یکی از کسانی است که «قربی» در آیه را منحصر در حضرت علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌داند. احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) و طبرانی (م. ۳۶۰ق) به نقل از عبدالله بن عباس می‌نویسند: هنگامی که این آیه نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: مراد از «قربی» در آیه چه کسانی هستند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: علی، فاطمه و دو فرزند آنان حسن و حسین علیهم السلام (ابن‌حنبل، ۱۴۳۵ق: ۲۹۴-۲۹۵؛ طبرانی، بی‌تا: ۴۷/۳ و ۳۵۱/۱)

بخاری درباره آیه مورد نظر سعی داشته تا در تأویل آن راه ناصواب را طی نماید؛ لذا روایت مذکور را کنار گذاشته و به جای آن این روایت مبهم را در دو جای از کتاب صحیحش آورده است: «سمعت طائوساً عن ابن عباس أنه سئل عن قوله: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»، فقال سعيد بن جبیر: قربی آل محمد. فقال

۱. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم

جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم].» (شوری: ۲۳)

۲. ر.ک: «مناسبات فکری عثمانیه و ابن تیمیه درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام» نوشته محمد محسن طبری.

ابن عباس: عجلت، إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَمْ يَكُنْ بَطْنٌ مِنْ قَرِيْشٍ إِلَّا كَانَ لَهُ فِيْهِمْ قَرَابَةٌ. (بخاری، ۱۴۳۰ق: ۷۰۵ و ۹۷۸)

چکیده سخن ابن عباس این است که همه قریش، خویشاوندان پیامبر ﷺ هستند و منظور آیه، فقط بنی‌هاشم و نظیر آنان نیست؛ آن‌گونه که ذهن انسان از سخن سعید بن جبیر چنین مطالبی را برداشت می‌کند. این روایت از جهت دلالت قاصر است، زیرا موقوفه است که بخاری به ابن عباس نسبت داده است. زیرا محتمل است که آن‌چه را ابن عباس گفته، سخن و اجتهاد خود در تفسیر آیه باشد و نه کلام پیامبر ﷺ.

برخی از شارحان صحیحین برخلاف دیگر علماء اهل سنت قائلند که کلمه «القربی» در آیه مودت (شوری: ۲۳) به معنای خویشاوندان پیامبر است که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. کرمانی معتقد است که «قربی» در این آیه بر فرزندان رسول خدا ﷺ اطلاق می‌شود. (کرمانی، ۱۴۰۱ق: ۸۰/۱۸)

همچنین عینی حنفی نیز تصریح می‌کند که از «قربی» معنای خویشاوندان به ذهن متبادر می‌شود. (عینی، بی تا، ۲۲۳/۱۶)

۲-۲-۳. حدیث «سدّ الأبواب»

حدیث «سدّ الأبواب» و ماجرای بسته شدن درب خانه‌های صحابه به مسجد طبق دستور پیامبر ﷺ و باز ماندن انحصاری درب خانه حضرت علی ﷺ، یکی از مشهورترین روایات فضائل حضرت علی ﷺ به شمار می‌رود که توسط بسیاری از عالمان اهل سنت نقل شده است. از مورّخین و محدّثین قرن سوم افرادی همچون ابن‌ابی‌شیبیه (م. ۲۳۵ق) (۱۴۰۹ق: ۵۰۰/۷) احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (بی تا: ۱۷۵/۱ و ۳۳۱؛ ۱۴۳۵ق: ۱۵۴-۱۵۵) بلاذری (م. ۲۷۹ق) (۱۴۱۷ق: ۳۵۵/۲) ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۱۴۳۲ق: ۶۷۱) و نسائی (م. ۳۰۳ق) (بی تا: ۷۹-۸۲) و از محدّثین و مورّخین بعد از بخاری نیز عالمانی همانند طبرانی (م. ۳۶۰ق) (بی تا: ۲۴۶۲ و ۷۸/۱۲) حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) (۱۴۲۲ق: ۱۳۵/۳ و ۱۴۳-۱۴۴) ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) (۱۴۱۶ق: ۱۵۳/۴) و خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) (بی تا: ۲۰۵/۷) این روایت را نقل کرده‌اند؛ اما بخاری نه تنها حدیث مذکور را در کتاب صحیحش ذکر نکرده، بلکه صورت مقلوب آن، یعنی روایت «لایبقیّن فی المسجد بابٌ إلّا سدّ إلّا بابٌ أبی بکر» را نقل کرده است! (بخاری، ۱۴۳۰ق: ۷۳۱)

ابن حجر عسقلانی ماجرای سدّ الأبواب را از طریق چند نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله همچون سعد بن ابی وقاص، زید بن ارقم، عبدالله بن عباس، جابر بن سمره و عبدالله بن عمر نقل کرده و سند همه روایات را حسن و قوی می‌داند و راویان اسناد را افرادی ثقه معرفی کرده و می‌نویسد: «اگر مجموع این روایات را هم در نظر نگیریم، تک تک این روایات قابلیت استناد و احتجاج را دارند.» همچنین وی معتقد است «باب» در روایات مربوط به حضرت علی علیه السلام معنای حقیقی آن مراد است، اما در روایات مربوط به ابوبکر «باب» به معنای خوچه و پنجره است و معنای مجازی از آن اراده شده است. (عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۷-۱۹)

تاریخ ورود روایات «خوچه و سدّ باب ابی بکر» به کتب اهل سنت را می‌توان از قرن دوم دانست. نخستین نقل روایات «خوچه و سدّ باب ابی بکر» در کتاب موطأ مالک ابن انس (م. ۱۷۹ق) به روایت محمد بن حسن شیبانی با این عبارت آمده: «لَا يَبْقَيْنَنَّ فِي الْمَسْجِدِ حَوْحَهُ إِلَّا حَوْحَهُ أَبِي بَكْرٍ». (مالک، ۱۴۰۵ق: ۳۳۳/۱) این روایت تنها روایتی است که در قرن دوم در کتب اهل سنت موجود است.

بخاری تنها نفری است که در قرن سوم واژه «سدّ الأبواب» را برای خلیفه اول ذکر کرده است؛ این تحریف به قلب، قدری واضح است که شارحان بخاری در توجیه آن سردرگم شده‌اند و توجیه نقل به معنا شدن را انتخاب کرده‌اند. (عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۷-۱۹؛ عینی، بی تا: ۲۴۵/۴) بقیه منابع همانند قرن دوم در این روایات از واژه «خوچه» استفاده کرده‌اند.

با ورود به قرن چهارم سه منبع از اصطلاح «سدّ الأبواب» استفاده کرده‌اند (ابی‌عوانه، ۱۴۱۹ق: ۳۸۲/۱۸؛ زهری، ۱۴۱۸ق: ۱۶۱/۱؛ ابی طاهر، ۱۴۲۹ق: ۴۰۹/۱) اما سائر منابع همان واژه «خوچه» را آورده‌اند.

در قرن پنجم منابع شروع به نقل روایات خوچه اما با جایگزین کردن لفظ باب (سدوا هذه الأبواب إلا باب أبي بكر) می‌کنند! (ابوسعبد، ۱۴۲۴ق: ۴۴۸/۲؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۷ق: ۸۲/۱؛ مری، ۱۴۳۰ق: ۳۳۰/۱)

کتبی که در قرن ششم این روایات را نقل کرده‌اند، گاهی خود همان روایات خوچه را بدون تغییر و برخی هم با تغییر اما همراه با لفظ خوچه (لَا يَبْقَيْنَنَّ فِي الْمَسْجِدِ حَوْحَهُ إِلَّا حَوْحَهُ أَبِي بَكْرٍ) بیان کرده‌اند. (بغوی، ۱۴۰۳ق: ۲۸/۱۴؛ ابونعیم حداد، ۱۴۳۱ق: ۱۱۵/۴) اما در قرن هفتم به صورت روشن این روایات را با لفظ باب (لَا يَبْقَيْنَنَّ فِي الْمَسْجِدِ بَابُ إِلَّا سُدٌّ، إِلَّا

بابِ اَبی بکر) ذکر کرده‌اند و کمتر در این احادیث به لفظ خوچه پرداخته‌اند. (ابن اثیر، ۳۹۲ق: ۶۴۰۶/۸؛ ابن نجار، بی تا: ۱۴۲۷ق: ۹۹/۱)

با جمع‌بندی تاریخ‌گذاری روایات نتیجه می‌گیریم روایات مذکور ابتداء با لفظ «خوچه» به عنوان فضیلتی برای خلیفه اول نقل شده‌اند. اما با گذشت زمان و نقل شدن در کتب مختلف، انگیزه‌ای برای تغییر در این روایات به وجود آمد که این روایات با لفظ «خوچه» توانایی مقابله با حدیث سدّ الابواب را ندارند؛ در نتیجه، با شروع تحریف به قلب توسط بخاری در قرن سوم هجری و پس از آن، این تغییر در روایات به وضوح مشاهده می‌شود.

بخاری حتی به تضعیف روایت سدّ الابواب برای حضرت علی علیه السلام در کتب دیگر خود پرداخته است. وی در کتاب *التاریخ الکبیر* نیز در مورد بستن درها بر مسجد، یک سند برای روایت بسته شدن همه درها جز در ابوبکر و یک سند برای بستن درها جز درب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده و سپس می‌گوید: حدیث بستن درب مردم جز درب ابوبکر صحیح تر است. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۴۰۸/۱) و در جای دیگر باز حدیث «این مسجد برای حائض و جنب حلال نیست مگر بر محمد و آل محمد علیهم السلام» را ذکر کرده و سپس گفته است: این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۸۴/۶) این بحث تضعیف مفصلاً در قسمت تضعیف و انکار توضیح داده می‌شود.

۳-۲-۳. حدیث رایت

ماجرای جنگ خیبر و فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام توسط عدّه زیادی از علماء و محدّثین اهل سنت و از طریق عده‌ای از صحابه به نام‌های حضرت علی علیه السلام (ابن ماجه، ۱۴۳۲ق: ۱۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ۶۲/۱۰ و ۱۲۱/۱۳-۱۲۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۵۱/۶ و ۱۲۴/۹؛ ابن حنبل، بی تا: ۹۹/۱) عمر بن خطاب (متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۳/۱۳)، عبدالله بن عباس (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴/۹) جابر بن عبدالله انصاری (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۵۱/۶) بریده بن خصیب اسلمی (متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ۴۶۳/۱۰). به نقل از ابن جریر؛ عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۵۴۴/۷؛ ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹ق: ۵۲۱/۸-۵۲۲) ابوهریره (نیشابوری، ۱۴۲۸ق: ۱۱۱۲) سعد بن ابی وقاص (همان: ۱۱۱۲؛ ترمذی، ۱۴۳۲ق: ۶۷۰؛ ابن حنبل، بی تا: ۱۸۵/۱) سهل بن سعد (نیشابوری، ۱۴۲۸ق: ۱۱۱۲؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۱) ابوسعید خدری (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴/۹؛ همان: ۱۵۱/۶) ابولیلی انصاری (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ۴۶۸/۱۰؛

هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۳/۹؛ طبرانی، بی تا: ۷۷/۷) عبدالله بن عمر (هیثمی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۳/۹) عمران بن حصین (همان: ۱۲۴؛ طبرانی، بی تا: ۲۳۷/۱۸-۲۳۸) عمرو بن اکوع (عینی، بی تا: ۲۱۳/۱۴) سلمه بن اکوع (نیشابوری، ۱۴۲۸ق: ۸۶۲؛ طبرانی، بی تا: ۱۳/۷ و ۱۷ و ۳۵ و ۳۶) امام حسن مجتبی علیه السلام زبیر بن عوام، ابوهریره و عامر بن ابی وقاص نقل شده است.^۱ (عینی، بی تا: ۲۱۶/۱۶) به گفته ابن عساکر دمشقی، ماجرای خیبر و سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت علی علیه السلام یکی از احادیثی است که حضرت علی علیه السلام برای اثبات افضلیت و برحق بودن آن حضرت، در مناظره و مناشده با اصحاب شورا به آن احتجاج و استناد کرده است. (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۳۳۰/۴۵) عینی در این رابطه می نویسد: این ماجرا یکی از فضائل بسیار بزرگ حضرت علی علیه السلام و نشان دهنده شجاعت آن حضرت می باشد. (عینی، بی تا: ۲۳۳/۱۴؛ همان: ۲۱۵/۱۶)

حاکم نیشابوری پس از این که ماجرای سعد بن ابی وقاص با معاویه و دستور سب و لعن حضرت علی علیه السلام را به طور مفصل نقل می کند، این گونه بیان می کند: این روایت شرایط صحّت براساس مبانی بخاری و مسلم را داراست، اما با تفصیلی که من نقل کردم، بخاری و مسلم نقل نکرده اند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۱۷/۳)

بخاری این حدیث را در شش جای صحیح بخاری و به مناسبت های مختلف نقل کرده، (بخاری، ۱۴۳۰ق: ۵۹۳، ۵۹۹، ۷۴۲-۷۴۳، ۶۰۴ و ۸۳۹) اما در صدر و ذیل حدیث تصرف کرده است.

برخی از این تصرفات بخاری عبارتند از:

۱. بخاری تنها به نقل طریق سهل بن سعد و سلمه بن اکوع که ماجرا را به طور کامل نقل نکرده اند اکتفا کرده است. هر کدام از این دو نفر در بخشی از ماجرا تصرف کرده اند.

۲. در دو نقل به اصل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت علی علیه السلام اشاره نکرده، و فقرات «يحبّه الله و رسوله و يحبّ الله و رسوله» را که نشان دهنده جایگاه و مقام حضرت علی علیه السلام نزد خداوند و رسول خداست، حذف کرده است. (همان: ۵۹۳؛ ۷۴۳-۷۴۲)

۱. جهت اطلاع از اسناد و منابع ر.ک: حسینی میلانی، ۱/۲۸-۲۹ و ۱۲۲.

۳. در نقل آخر تنها فقره «یحبه الله و رسوله» را ذکر کرده و ادامه روایت و بویژه فقره «یحبه الله و رسوله» را ذکر نکرده است. (همان: ۸۳۹)

۴. در نقل دیگری که هر دو فقره را ذکر کرده، اما با کلمه «أو» ذکر کرده است تا مطلب را به گونه‌ای به خواننده القاء کند که پیامبر ﷺ فقط یک فقره را فرمودند و ما نمی‌دانیم کدام فقره را پیامبر ﷺ فرموده است. (همان: ۵۹۹؛ همان: ۷۴۳)

۳-۳. تضعیف و انکار

شیوه دیگری که بخاری در مواجهه با فضائل حضرت علی علیه السلام به کار بسته است که شاید منظور علامه مجلسی نیز از جمله «إسقاطه من الروایه» همین باشد، تضعیف و انکار می‌باشد که در ادامه به بیان مصادیقی از آن پرداخته شده است.

۳-۳-۱. حدیث غدیر

واقعه غدیر خم و سخن مشهور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وأنصر من نصره وأخذل من خذله» از احادیث متواتری است که بسیاری از علماء اهل سنت آن را در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند و محدثینی همچون ابن عبدالبر قرطبی (م. ۴۶۳ق) بر ثبوت این حدیث صحه گذاشته‌اند. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ۲۰۳/۳) ذهبی می‌نویسد: «طبری اسناد و طرق حدیث غدیر را در چهار جلد جمع‌آوری کرده است. من بخشی از کتاب طبری و طرق و اسناد حدیث غدیر خم را مطالعه کردم. از وسعت روایات طبری درباره حدیث غدیر خم و اسناد آن تعجب کردم و به ماجرای غدیر خم و وقوع آن یقین پیدا کردم». (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۷/۱۴) جهت آشنایی با بخشی از اسناد و طرق حدیث غدیر و فقره «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» به کتاب تاریخ مدینه دمشق نوشته ابن عساکر مراجعه شود. (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۱۷۹-۱۵۶/۴۵)

براساس تحقیق علامه امینی در کتاب شریف الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب بیش از صد و بیست نفر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث غدیر را نقل کرده و کتاب‌های مستقلی در این رابطه نوشته شده و اشعار فراوانی درباره ماجرای غدیر خم سروده شده است. بخاری حدیث متواتر غدیر را در کتاب صحیح خودش نقل نکرده است. اما در سه

جای از کتاب *التاریخ الکبیر* به نقل آن پرداخته، ولی در هر سه مورد، روایت را به دلیل ضعف سند، رد کرده است.

بخاری ابتداء در شرح حال سهم بن حصین آورده است: «سهم بن حصین می گوید: من و عبدالله بن علقمه وارد مکه شدیم، عبدالله بن علقمه از کسانی بود که به حضرت علی علیه السلام فحش می داد و آن حضرت را سب می کرد. به او پیشنهاد دادم نزد ابوسعید خدری برویم. هنگامی که نزد ابوسعید خدری رفتیم از ابوسعید پرسیدم: آیا درباره حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقبت و فضیلتی شنیده‌ای؟ گفت: آری! حدیثی را برایت نقل می کنم که اگر درباره صحت آن شک داری می توانی از مهاجرین و انصار و قریش پیرسی و سپس ادامه داد و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمود: ای مردم! آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر نیستم؟ ای علی نزدیک بیا. حضرت علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و بالا برد و فرمود: «هر کس من مولای اویم علی مولای اوست». این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام را با گوش‌های خودم شنیدم. سهم بن حصین می گوید: هنگامی که نماز صبح را خواندیم عبدالله بن علقمه از رفتار خودش نسبت به حضرت علی علیه السلام و فحش دادن به آن حضرت توبه کرد». (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۹۳/۴)

بخاری پس از نقل حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» در راستای تضعیف سند آن می نویسد: «سهم بن حصین (فردی که در سند روایت وجود دارد) مجهول و ناشناخته است». (همان) وی در جایی دیگر درباره این حدیث چنین می نویسد: «در سند روایت تأمل و نظر است». (همان: ۳۷۵/۱)

بخاری در سومین مورد نقل این حدیث سعی کرده به گونه‌ای وانمود کند که این حدیث، ساخته ابواسحاق (سیعی) و تنها از طریق او نقل شده است. او برای این کار این سخن ابو حصین اسدی را بازگو می کند که: «تا زمانی که ابواسحاق (سیعی) از خراسان نیامده بود، حدیث غدیر را نشنیده بودیم». (همان: ۲۴۱/۶) از سخن ابو حصین این گونه به نظر می رسد که ایشان، ابواسحاق را به جعل و وضع این حدیث متهم کرده است. سکوت بخاری بعد از نقل سخن ابو حصین اسدی نیز به گونه‌ای تضعیف و انکار حدیث مذکور می باشد. ناگفته نماند که بخاری از ابواسحاق سیعی بیش از ۱۷۰ حدیث در صحیحش نقل کرده است، که این سخن او در حقیقت جایگاه «الصحیح» را مخدوش می کند.

ذهبی نیز این سخن را نقل کرده است، اما بعد از آن به تأیید حدیث و نقد أبو حصین پرداخته و می‌گوید: «الحديث ثابت بلا ريب ولكن أبو حصين عثمانی، وهذا نادر في رجل كوفي؛ بدون شك این حدیث ثابت است، ولی أبو حصین (عثمان بن عاصم) عثمانی است و این در رجال کوفه نادر است». (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۵/۱۵)

ابن تیمیه با استناد به تضعیفات بخاری نسبت به حدیث غدیر در صدد انکار آن برآمده است. (دویش، ۱۴۲۳ق: ۲/۳۱)

روشن است که با توجه به شواهد گوناگون، حدیث غدیر یک روایت متواتر است که ضعف برخی از راویان و یا طرق آن، موجب تضعیف و انکار اصل حدیث نخواهد بود.

۲-۳-۳. حدیث ثقلین

حدیث متواتر ثقلین «إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى...» (ترمذی، ۱۴۳۲ق: ۶۷۹) یکی دیگر از فضائل امام علی عليه السلام و اهل بیت عليهم السلام و اثبات کننده حقایق آنان است که در بسیاری از منابع حدیث، تفسیر، تاریخ و تراجم اهل سنت، از طریق صحابه‌ای همچون عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری، زید بن ثابت، حذیفه بن اسید، ابوذر و زید بن ارقم نقل شده است. همچنین برخی از علماء بزرگ اهل سنت مانند ذهبی و حاکم نیشابوری به صحت این حدیث اذعان داشته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۵/۱۸۴-۱۸۵)

باتوجه به کثرت طرق این روایت و نقل آن در بسیاری از منابع اهل سنت، بی‌شک این حدیث در دسترس بخاری نیز بوده است و عدم نقل آن در کتاب *الصحيح* نشانه حذف عمدی این روایت می‌باشد. علاوه بر اینکه به نظر می‌رسد اگر بپذیریم که شرط بخاری در صحت حدیث، ملاقات راوی می‌باشد، باز هم اسناد روایت ثقلین بر شرط بخاری صحیح است. توضیح آنکه سلسله سند حدیث ثقلین در صحیح مسلم از زهیر بن حرب شروع می‌شود، شخصی که بخاری در ابواب مختلف صحیحش از جمله باب «وفد بنی تمیم» و باب «جلود میته قبل آن تدبغ» سلسله سند را از او شروع کرده است؛ پس اگر بخاری ملاقات راوی در نقل روایت را شرط می‌داند، شرط وی در مورد او محقق شده و درباره مابقی افراد موجود در سلسله سند نیز به نظر می‌رسد این شرط محقق است، بنابراین بخاری باید این روایت را نیز نقل می‌نمود.

جستجو در آثار به‌جای مانده از سده‌های نخستین نشان می‌دهد که تعداد زیادی از

اندیشمندان معاصر و قرون اولیه همچون ابن سعد (م. ۲۳۰ق) (بی تا: ۱۹۴/۲) ابن ابی شیبه (م. ۲۳۵ق) (۱۴۰۹ق: ۱۷۶/۷؛ ۴۱۸) احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (بی تا: ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶ و ۵۹) دارمی (م. ۲۵۵ق) (۱۴۰۷ق: ۵۲۴/۲) و مسلم بن حجاج نیشابوری (م. ۲۶۱ق) (۱۴۲۸ق: ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴) و همچنین مورّخین، محدثین و مفسّرین بسیاری بعد از بخاری همانند بلاذری (م. ۲۷۹ق) (۱۴۱۷ق: ۳۵۷/۲) یعقوبی (م. ۲۸۴ق) (بی تا: ۱۱۲/۲ و ۲۱۲) ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۱۴۳۲ق: ۶۷۸ و ۶۷۹) نسائی (م. ۳۰۳ق) (بی تا: ۱۰۰، الباب ۱۷) ابوعلی موصلی (م. ۳۰۷ق) (۱۴۱۸ق: ۴۴۳ و ۴۴۰/۱) ابن خزیمه (م. ۳۱۱ق) (۱۴۱۲ق: ۱۱۳۲/۲-۱۱۳۳) مسعودی (م. ۳۴۶ق) (بی تا: ۴۸۰/۲) طبرانی (م. ۳۶۰ق) (بی تا: ۶۵/۳-۶۷؛ ۱۶۶/۵ و ۱۸۲-۱۸۳؛ ۱۴۲۰ق: ۳۲۷/۲ و ۳۶۱؛ ۱۴۰۱ق: ۱۳۱/۱ و ۱۳۵) حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) (۱۴۲۲ق: ۱۶۰/۳-۱۶۱) ابن مردویه (م. ۴۱۰ق) (۱۴۲۲ق: ۲۲۸) ثعلبی (م. ۴۲۷ق) (۱۴۲۲ق: ۱۸۶/۹) ابو نعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) (۱۴۱۶ق: ۳۵۵/۱) بیهقی (م. ۴۵۸ق) (۱۴۱۹ق: ۱۳۳/۱۰) خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) (بی تا: ۴۴۲/۸، ش ۴۵۵۱) ابن مغازلی (م. ۴۸۳ق) (۱۴۰۲ق: ۲۳۴-۲۳۶) بغوی (م. ۵۱۶ق) (۱۴۲۴ق: ۲۵۸/۲-۲۵۹، و ۲۴۷/۴) و قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق) (۱۴۲۰ق: ۵۲۸) حدیث ثقلین را در کتاب های خودشان نقل و تأیید کرده‌اند.

بخاری تنها در کتاب *التاریخ الصغیر* به حدیث مذکور از باب انکار و تضعیف اشاره کرده است و می گوید: «قال أحمد فی حدیث عبدالملک عن عطیة عن أبی سعید، قال النبى صلی الله علیه و آله: «ترکت فیکم الثقلین» قال: أحادیث الکوفیین هذه مناکیر؛ احمد در مورد این حدیث که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من بین شما دو چیز گرانبهاء می گذارم گفت: این از احادیث اهل کوفه بوده و منکر است». (بخاری، ۱۴۰۶ق: ۳۰۲/۱)

نسبتی که بخاری به احمد بن حنبل داده است، از نسبت‌هایی است که کسی جز بخاری آن را به احمد نداده است و این نسبت را روایات احمد در مسندش تکذیب می کند؛ زیرا وی بنابر روایت فرزندش عبدالله، این حدیث شریف را در مسندش از پنج شیخ خود یعنی اسود بن عامر ابوالنضر، ابن نمیر، ابواحمد زبیری و اسماعیل بن ابراهیم با هشت سند روایت کرده است که تمام اسانید آن صحیح هستند و حتی دو سند آن در روایت احمد با این لفظ است: «من برای شما دو خلیفه و جانشین می گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیتم، و آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا سر حوض بر من وارد شوند». (ابن حنبل،

با این حال، کدام انسان منصف می‌تواند بخاری را در این ادعایش تصدیق کند و یا این که بخاری از اصحاب سیر احمد بوده و خلاف عقیده‌اش را به او گفته است. از آنچه بیان شد روشن می‌شود که بخاری یک نسبت بی‌اساس را جهت تضعیف این حدیث متواتر به احمد داده است.

۳-۳-۳. حدیث «سدّ الأبواب»

حدیث «سدّ الأبواب» و ماجرای بسته شدن درهای خانه صحابه به مسجد به دستور پیامبر ﷺ و باز ماندن انحصاری در خانه حضرت علی علیه السلام یکی از روایات مشهور فضائل حضرت علی علیه السلام به شمار می‌رود که در قسمت دخل و تصرف و نقل به شکل مقلوب مفصلاً توضیح داده شد. اما گفته شد بخاری حتی به تضعیف روایت سدّ الأبواب برای حضرت علی علیه السلام در کتب دیگر خود پرداخته است. وی در کتاب *التاریخ الکبیر* نیز در مورد بستن درها بر مسجد، یک سند از طریق زهری از عائشه نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه درها جز در خانه ابوبکر را بسته‌اند و یک سند برای بستن درها جز در خانه امیر المؤمنین علیه السلام نیز از عائشه نقل کرده و سپس می‌گوید: حدیث زهری (یعنی بستن در مردم جز در ابوبکر) صحیح‌تر است و آن از عروه نیز شاهد دارد. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۰۸) و در جای دیگر باز از عائشه حدیث «این مسجد برای حائض و جنب حلال نیست مگر بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله» را ذکر کرده و در مورد جسر بنت دجاجه، راوی حدیث از عائشه و ام سلمه گفته است: «نزد او از عجایب است». باز همان حدیث قبلی را با همان دو سندی که آنجا ذکر کرده است در مورد بستن درها جز در ابوبکر، ذکر کرده و گفته است این صحیح‌تر است. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۲/۶۸) همچنین در جای دیگر بخاری برای حدیث «این مسجد برای حائض و جنب حلال نیست جز بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله» سه سند ذکر کرده و به جسر بنت دجاجه رسانده و سپس گفته است: این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست. (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۸۴)

۳-۳-۴. حدیث طیر

حدیث معروف «طیر» نیز از جمله فضائلی است که محدثان و مورخان معاصر با بخاری و سده‌های نخستین همچون احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) (۱۴۳۵ق: ۱۴۶-۱۴۷) ابوداود سجستانی (م. ۲۷۵ق) (قندوزی، ۱۴۲۲ق: ۱/۱۷۶، ح ۴. متأسفانه در چاپ‌های فعلی، این روایت موجود نیست)، بلاذری (م. ۲۷۹ق) (۱۴۱۷ق: ۳۷۸/۲)، ترمذی (م. ۲۹۷ق) (۱۴۳۲ق: ۶۷۰) نسائی

(م. ۳۰۳ق) (بی تا: ۵۱؛ ۱۰۷/۵) ابویعلی موصلی (م. ۳۰۷ق) (۱۰۵/۷) ابن عقده کوفی (م. ۳۳۳ق) (۱۴۲۱ق: ۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۴-۳۶۵، به نقل از ابن عقده) طبرانی (م. ۳۶۰ق) (بی تا: ۲۵۳/۱ و ۸۲/۷ و ۲۸۲/۱۰؛ ۱۴۲۰ق: ۴۷۲/۱ و ۲۵۱-۲۵۰/۴ و ۵۴/۵ و ۳۱۹-۳۱۸ و ۴۵۲/۶) حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) (۱۴۲۲ق: ۱۴۲/۳ و ۱۴۳) ابن مردویه اصفهانی (م. ۴۱۰ق) (۱۴۲۲ق: ۱۳۹-۱۴۲) - بنا به گفته خوارزمی، ابن مردویه در کتابی که با موضوع حدیث طیر نوشته است، این حدیث را با ۱۲۰ سند و طریق نقل کرده است. «قال الموفق الخوارزمی فی مقتل الحسین علیه السلام ص ۴۶: أخرج الحافظ ابن مردويه هذا الحديث بمائة و عشرين اسناداً» - ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ق) (۱۴۱۶ق: ۳۳۹/۶)، بیهقی سبزواری (م. ۴۵۸ق) (ابن شهر آشوب، بی تا: ۲۸۲/۲) خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق) (بی تا: ۱۷۱/۳؛ ۳۸۲/۸؛ ۳۶۹/۹) ابن مغزالی (م. ۴۸۳ق) (۱۴۰۲ق: ۱۵۶-۱۷۵) - ابن مغزالی حدیث طیر را با حدود ۲۶ سند و طریق از انس بن مالک، عبدالله بن عباس و سفینه نقل کرده است - سمعانی نیشابوری (م. ۴۸۹ق) (شوشتری، ۱۴۱۷ق: ۳۲۰/۵، به نقل از سمعانی نیشابوری در «الرسالة القوامیه» و «مناقب الصحابه»)، ابومحمد حسین بن مسعود شافعی (م. ۵۱۰ق) (همان: به نقل از حسین بن مسعود در «مصایح السنه») آن را از طریق انس بن مالک خادم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۶/۷) ابوسعید خدری (همان: به نقل از حاکم نیشابوری) عبدالله بن عباس (طبرانی، بی تا: ۲۸۲/۱۰) حبشی بن جناد (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۶/۷) یعلی بن مره (همان) ابورافع [مولی رسول الله] (همان) جابر بن عبدالله انصاری (همان: به نقل از ابن عساکر)، ام ایمن و سفینه مولی رسول الله (همان: به نقل از ابوالقاسم بغوی و ابویعلی موصلی؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰ق: ۶۹۲/۲-۶۹۳) به طور مختصر و مفصل در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. (برای آگاهی کامل از اسناد روایت ر.ک: شرح احقاق الحق، ۳۱۸/۵-۳۶۸؛ البداية و النهایة، ۳۶۳/۷-۳۶۷)

بنابه گفته ابن کثیر دمشقی، ذهبی نام بیش از ۹۰ نفر از روایانی (صحابه و تابعین) که حدیث «طیر» را از انس نقل کرده‌اند، ذکر کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۶/۷)

عینی یکی از مهم‌ترین شارحان صحیح بخاری، در شرح ماجرای جنگ خیبر به ذکر ویژگی‌ها و فضائل اختصاصی حضرت علی علیه السلام پرداخته و ماجرای «طیر مشوی» را یکی از فضائل و مناقب منحصر به فرد حضرت علی علیه السلام دانسته است. (عینی، بی تا: ۲۱۵/۱۶)

عالمان بزرگی همچون ابوبکر ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی، حاکم نیشابوری، حافظ ابوظاهر محمد بن احمد بن حمدان، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ابن عقده کوفی و

ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۹/۱۷؛ همان: ۲۳۳/۱۳) درباره حدیث «طیر مشوی» کتاب‌های مستقلمی نوشته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۶/۷؛ سبکی، بی‌تا: ۱۶۵/۴؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۲۸۲/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۸ق: ۲۰۶/۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۴ق: ۲۸۸-۲۸۷/۴؛ خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴۷۴/۵)

حاکم نیشابوری درباره حدیث طیر نوشته است که این حدیث براساس شرائط و مبانی محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح است. این حدیث توسط بیش از ۳۰ نفر از شاگردان و اصحاب انس بن مالک از انس بن مالک و با سند صحیح از علی بن ابی طالب رضی الله عنه ابوسعید خدری و سفینه نیز نقل شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۲/۳) ابن جوزی نیز آورده است که حاکم نیشابوری معتقد بوده که حدیث طیر حدیث صحیحی است و باید در کتاب صحیح بخاری و مسلم نقل می‌شد. همچنین درباره اسناد و طرق حدیث طیر جزوه حجیم و ضخیمی نوشته بود و همه آن را در کتاب مستدرکش آورده بود. اما پس از اعتراض دارقطنی، به ناچار اسناد و طرق را از کتابش حذف کرد! (ابن جوزی، ۱۴۰۳ق: ۲۳۶/۱)

ترمذی پس از نقل حدیث «طیر مشوی» به معرفی و توثیق اسماعیل بن عبدالرحمن سدی یکی از راویانی که در سند روایت قرار دارد، پرداخته و توثیقات شعبه بن حجاج، سفیان ثوری، زانده و یحیی بن سعید قطان را درباره عبدالرحمن سدی ذکر کرده است. (ترمذی، ۱۴۳۲ق: ۶۷۰)

سبط بن جوزی پس از نقل مطالب ترمذی، درباره حدیث طیر و سند آن قائل است که عده‌ای از روی تعصب و بدون دلیل و در راستای ابطال حدیث طیر، اسماعیل بن عبدالرحمن سدی را مورد اتهام قرار داده‌اند. (سبط بن جوزی، ۱۴۲۶ق: ۴۴) وی در اظهار نظر خود درباره حدیث طیر و سند آن معتقد است با توجه به توثیقات سفیان ثوری، شعبه بن حجاج، یحیی بن سعید قطان و... درباره عبدالرحمن سدی، به سخنان بخاری و ابن معین درباره سدی اعتنا نمی‌شود؛ زیرا آن دو عدالت سدی را نفی نکرده‌اند، بلکه به کثرت روایات سدی ایراد گرفته‌اند، لذا اشکال وارد نیست؛ زیرا برخی از صحابه نیز به کثرت روایات ابوهریره ایراد گرفته‌اند. (همان: ۴۵)

توربشتی اصل صدور و سند حدیث «طیر مشوی» و حجیت آن را پذیرفته است. (مبارکفوری، ۱۴۳۰ق: ۲۰۹/۱۰)

همچنین ذهبی در کتاب «تذکره الحفاظ» نقل می‌کند که حدیث طیر دارای اسناد و طرق زیادی می‌باشد که آن‌ها را در کتاب مستقلی نقل کرده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که حدیث طیر دارای اساس و واقعیت است. (ذهبی، ۱۴۲۸ق: ۱۶۴/۲)

ابوعبدالله بصری معتقد است حدیث طیر، حدیثی صحیح و متواتر است؛ زیرا حضرت علی علیه السلام در روز شورا برای اثبات افضلیت خود، حدیث طیر را مطرح نمودند و همه اعضا شورا به آن اقرار کردند. از آن‌جا که ماجرای شورا متواتر است، این حدیث نیز متواتر خواهد شد. (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۲۸۲/۲؛ نیز ر.ک: تاریخ مدینه دمشق، ۳۳۰/۴۵)

محمد بن یوسف گنجی شافعی بعد از نقل حدیث طیر می‌نویسد: حدیث طیر به خوبی و به وضوح نشان می‌دهد که علی علیه السلام نزد خدا از همه انسان‌ها محبوب‌تر است و بهترین دلیل بر این مطلب، دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اجابت شدن آن از سوی خداوند است. (شوشتری، ۱۴۱۷ق: ۳۱۹/۵، به نقل از کفایة الطالب: ص ۵۹)

با وجود کثرت نقل حدیث طیر توسط بسیاری از روایان و محدثان بزرگ اهل سنت، بخاری در کتاب صحیح خودش هیچ‌گونه اشاره‌ای به حدیث طیر نکرده است! وی تنها در دو قسمت از کتاب *التاریخ الکبیر* و به مناسبت روایان مختلف و با هدف تضعیف حدیث «طیر»، به طور خلاصه به حدیث «طیر» اشاره کرده است.

بخاری نخستین مورد را این‌گونه بیان کرده است: «اسمعیل بن سلمان الازرق الکوفی سمع اباہ والشعبی و ابا عمر سمع منه و کعب و قال عبیدالله بن موسی اخبرنا اسمعیل بن سلمان بن ابی المغیره الازرق عن انس: اهدی للنبی صلی الله علیه و آله و سلم طائر فقال: اللهم ائتني بأحب خلقك، فجاء علی، وسمعت انساً: مر أبوذر برجل عرس فلم یسلم علیه، قال أبو عبد الله لا یتابع علیه، وروی ابن الفضیل عن مسلم عن انس فی الطیر، وقال عبیدالله بن موسی اخبرنا سکین بن عبدالعزیز عن میمون ابی خلف حدثه عن انس عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی الطیر». (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۳۵۸/۱)

در ارتباط با عبارت «لا یتابع علیه» در کتاب *معجم المصطلحات الحدیثیه* این‌گونه آمده است که شاخص‌ترین افراد از میان علماء متقدم در استفاده از این عبارت، بخاری می‌باشد. و مقصود از نقل این عبارت در مورد هر شخصی، آن است که اولاً آن روایت متفرد است (کسی دیگر این روایت را نقل نکرده است) و ثانیاً این راوی فقط همین روایت را نقل کرده است؛ لذا وقتی بخاری برای شخصی این عبارت «لا یتابع علیه» را می‌آورد، به معنای تضعیف او می‌باشد؛ چرا که این افراد غالباً مجهول و از کسانی هستند که حدیث کمی نقل

کرده‌اند و احادیثی را آورده‌اند که به نگاه اهل سنت از متفردات می‌باشد به این معنا که به لحاظ فکری و اندیشه آن را قبول ندارند. (غوری، ۱۴۲۸ق: ۵۹۲)

غوری یک استعمال دیگر را نیز برای عبارت «لا یتابع علیه» آورده، به این نحو که در مورد افراد شناخته شده استفاده شده است که در این استعمال دیگر دلالت بر ضعف خود راوی نیست و فقط دلالت بر ضعف خود حدیث دارد. (همان: ۵۹۳)

بنابراین باید گفت عبارت «لا یتابع علیه» اشاره به ضعف راوی براساس تفرد روایت دارد، یعنی اگر راوی نیز فرد ثقه‌ای باشد، نباید حدیثی را که سایرین به لحاظ فکری و اندیشه آن را قبول ندارند نقل کند. لذا بخاری با نقل عبارت «لا یتابع علیه» هم درصدد تضعیف شخص راوی و هم تضعیف حدیث طیر است. به این بیان که حدیث طیر را از آن جهت که از متفردات به حساب می‌آید و نیز راوی حدیث طیر - اسمعیل بن سلمان الازرق الکوفی - از این جهت که احادیث کمی و متفردات را نقل کرده است ضعیف می‌باشد. ناگفته نماند، بخاری با تضعیف خود حدیث به دنبال نقد وارد کردن بر کسانی است که حدیث مذکور را متواتر یا متظافر می‌دانند.

تنها نکته‌ای که در اینجا وجود دارد آن است که در ادامه بخاری حدیث مذکور را با دو طریق دیگر (ابن الفضیل عن مسلم عن انس فی الطیر - عبیدالله بن موسی اخبرنا سکین بن عبدالعزیز عن میمون ابی خلف حدثه عن انس عن النبی ﷺ) آورده است؛ که جمع این دو طریق با عبارت «لا یتابع علیه» به معنای متفرد بودن حدیث امکان‌پذیر نیست؛ از این جهت که با نقل این دو طریق دیگر نقل اسمعیل بن سلیمان در حدیث طیر را نمی‌توان متفرد دانست، چرا که دیگران هم این حدیث را نقل کرده‌اند. مگر اینکه گفته شود بخاری با نقل این دو طریق بعد از عبارت «لا یتابع علیه» درصدد تضعیف ابن فضیل و میمون ابی خلف می‌باشد، به دلیل آن که این اشخاص نیز حدیث مذکور متفرد را نقل کرده‌اند. به هر حال این تناقض بر بخاری وجود دارد که اگر عبارت «لا یتابع علیه» دال بر تفرد است، پس چرا دو نقل دیگر را آورده‌اید.

مورد دومی را که بخاری در جایی دیگر از کتاب خود به حدیث طیر اشاره می‌کند، این گونه آورده است: «احمد بن یزید بن ابراهیم أبو الحسن الحرانی، قال لی محمد بن یوسف حدثنا احمد قال ثنا زهیر قال ثنا عثمان الطویل عن انس بن مالک قال: اهدی للنبی ﷺ طائر کان یعجبه فقال اللهم ائنی بأحب خلقک الیک یا کل هذا الطیر فاستأذن علی

فسمع كلامه فقال أدخل، ولا يعرف لعثمان سماع من انس، وقال اسحاق ابن يوسف عن عبد الملك هو ابن ابي سليمان عن انس شهد النبي صلى الله عليه وآله بهذا، مرسل». (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۲/۳-۳) همان‌طور که ملاحظه شد، بخاری بعد از نقل روایت در مورد عثمان الطویل می‌گوید: «مشهور نیست که عثمان از انس روایت شنیده باشد» در حالی که در جای دیگر از همین کتابش تصریح می‌کند که او از انس بن مالک روایت نقل کرده است: «عثمان الطویل عن ابي العاليه و انس رضی الله عنهما روی عنه شعبه و عنبسه و زهير حدیثه فی البصرین؛ عثمان الطویل از ابي عالیه و انس روایت نقل کرده است...» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۵۸) اما در آنجا این اشکال را نمی‌آورد. در نقل اسحاق بن یوسف از عبد الملک نیز در آخر، روایت را مرسل اعلام می‌کند. بخاری در حقیقت با بیان این جملات به دنبال تضعیف سند حدیث مذکور می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی چگونگی نقل مشهورترین روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام در آثار بخاری و با تأکید بر نقل همان فضائل از منظر محدثین سده‌های نخستین و سائر محدثان اهل سنت، به این نتیجه می‌رسیم که الگوی مواجهه بخاری با روایات فضائل امام علی علیه السلام بر سه رکن زیر استوار است:

الف) نقل نکردن بسیاری از روایات فضائل امام علی علیه السلام همانند شأن نزول آیه مباحله که بخاری با وجود ذکر ماجرای آمدن مسیحیان نجران به مدینه، اما هیچ اشاره‌ای به جزئیات این داستان و نزول آیه مباحله در شأن اهل بیت علیهم السلام نمی‌کند. همچنین وی شأن نزول آیه تطهیر را با وجود صحت حدیث بنابر شرط او در قبول روایت - ملاقات راوی - نادیده گرفته است؛ همان‌طور که هیچ اشاره‌ای به حدیث «لا یحبک إلا مؤمنٌ و لا یغضک إلا منافقٌ» ندارد. احادیثی مانند مدینه العلم، حدیث سفینه و «الحق مع علی و علی مع الحق» نیز از جمله روایاتی هستند که بخاری هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن‌ها نداشته است؛ در حالی که این فضائل توسط محدثان قرون اولیه قبل از بخاری و معاصر و بعد از ایشان نقل و تأیید شده است. بنابراین بعید است بخاری از آن بی‌اطلاع مانده باشد، لذا همان‌طور که در حدیث «لا یحبک إلا مؤمنٌ و لا یغضک إلا منافقٌ» گفته شد، شاید بخاری بسیاری از فضائل را برای نجات برخی از واسطه‌ها در سلسله اسنادش از حکم نفاق، کنار گذاشته است.

ب) دخل و تصرف یا نقل به شکل مقلوب در موضوعاتی همانند شأن نزول آیه مودت که بخاری روایت مذکور را کنار گذاشته و به جای آن روایت مبهمی را در دو جای از کتاب صحیحش آورده است که به دلیل موقوفه بودن دلالتش قاصر است. همچنین حدیث معروف «سدُّ الابواب» که علاوه بر عدم نقل آن در کتاب صحیح، بلکه صورت مقلوب آن را، یعنی روایت «لایبقین فی المسجد بابٌ إلاَّ سدَّ إلیَّ بابُ أبی بکر» را به عنوان تنها فرد در قرن سوم با واژه سدِّ ابواب برای خلیفه اول تحریف کرده است. همان‌طور که با ذکر حدیث رأیت در شش جای صحیح بخاری به مناسبت‌های مختلف به تصرّف در صدر و ذیل حدیث مذکور پرداخته است؛ در حالی که این احادیث توسط عدّه زیادی از علماء و محدّثین اهل سنت و از طریق عده‌ای از صحابه نقل گردیده است.

ج) تضعیف و انکار روایاتی همانند حدیث غدیر و تقلین که بخاری آن‌ها را در کتاب صحیح خودش نقل نکرده است. بلکه حدیث غدیر را در سه قسمت از کتاب *التاریخ الکبیر* به دلیل ضعف سند رد کرده است و همچنین از باب انکار و تضعیف در همین کتاب به حدیث ثقلین اشاره کرده است و از قول احمد بن حنبل آن را از احادیث کوفیان و منکر می‌داند. عدم نقل این دو روایت در کتاب صحیح نشانگر حذف عمدی این روایت می‌باشد؛ چرا که با توجه به کثرت طرق این روایت و نقل آن در بسیاری از منابع اهل سنت، بی‌شک این حدیث در دسترس بخاری نیز بوده است. حدیث سدِّ الابواب نیز مورد دیگری است که بخاری سند حدیث زهری (یعنی بستن در مردم جز در ابوبکر) را صحیح‌تر از حدیث سدِّ الابواب می‌داند و در مورد حدیث «این مسجد برای حائض و جنب حلال نیست جز بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام» نیز گفته است: این حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صحیح نیست. در مورد حدیث طیر نیز با وجود کثرت نقل آن توسط بسیاری از راویان و محدثان بزرگ اهل سنت، بخاری در کتاب صحیح خودش هیچ‌گونه اشاره‌ای به حدیث طیر نکرده است. تنها در دو قسمت از کتاب *التاریخ الکبیر* و به‌طور خلاصه به حدیث «طیر» اشاره کرده و با عبارت «لایتابع علیه» راوی حدیث را جرح و تضعیف کرده است.

بنابراین باتوجه به روایات مورد بررسی قرار گرفته در این پژوهش، الگوی مواجهه بخاری نسبت به بسیاری از روایات فضائل مشهور امام علی علیه‌السلام چشم‌پوشی و عدم نقل و در موارد کمتری نیز دخل و تصرف یا نقل به شکل مقلوب و تضعیف و انکار می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: المكتبة العصرية، سوم.
 ۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (بی تا)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه انتشارات علامه.
 ۳. ابن نجار، محب الدین أبو عبد الله محمد بن محمود بن الحسن، (بی تا)، الدرّة الثمینة فی أخبار المدینة، بی جا: شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم.
 ۴. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، محقق: سعید محمد اللحام، بیروت: دار الفکر.
 ۵. ابن ابی یعلی، محمد بن ابی یعلی، (بی تا)، طبقات الحنابلة، بیروت: دار المعرفة.
 ۶. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، (۱۴۰۸ق)، الکامل فی التاریخ، محقق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
 ۷. _____، (۱۴۲۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة، سوم. ۱۱۱
 ۸. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۹۲ق)، جامع الأصول فی أحادیث الرسول صلی الله علیه و آله، بی جا: مکتبه الحلوانی - مطبعة الملاح - مکتبه دار البیان.
 ۹. _____، (۱۴۲۸ق)، جامع الأصول فی أحادیث الرسول صلی الله علیه و آله، محقق: عبدالسلام محمد عمر، بیروت: دار الفکر.
 ۱۰. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۲۴ق)، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة، محقق: محمد رشاد سالم، بیروت: مؤسسه الريان.
 ۱۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۰۳ق)، العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۱۲. _____، (۱۴۲۹ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الفکر.
 ۱۳. ابن حبان، محمد بن حبان، (۱۳۹۳ق)، الثقات، هند، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة.
 ۱۴. ابن حنبل، احمد بن حنبل، (۱۴۳۰ق)، فضائل الصحابة، عربستان، دمام: دار ابن الجوزی، چهارم.
 ۱۵. _____، (۱۴۳۵ق)، فضائل أمير المومنین علي بن أبی طالب علیه السلام، محقق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مؤسسه المحقق الطباطبائی، دوم.
 ۱۶. _____، (بی تا)، المسند، بیروت: دار صادر.

١٧. ابن حنبل، احمد، (١٤١٠ق)، *الجامع في العلل ومعرفة الرجال*، محقق: محمد حسام بیضون، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
١٨. ابن خزيمة، محمد بن اسحاق نیشابوری، (١٤١٢ق)، *صحيح ابن خزيمة*، المكتب الإسلامي، محقق: محمد مصطفى الأعظمي، دوم.
١٩. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع، (بی تا)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دار صادر.
٢٠. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، (١٤١٥ق)، *الاستيعاب في معرفة الأصحاب*، محقق: شیخ علي محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الكتب العلمية.
٢١. ابن عساکر، علی بن حسن، (١٤٢١ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، محقق: علی عاشور الجنوبي، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٢. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، (١٤٢١ق)، *فضائل أمير المؤمنين عليه السلام*، محقق: عبدالرزاق محمد حسین، بی جا: مکتبه اهل بیت.
٢٣. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (١٤١٥ق)، *المعارف*، محقق: ثروت عکاشه، قم: منشورات الشریف الرضي.
٢٤. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (١٤٠٩ق)، *البدایة والنهایة*، محقق: احمد ابوالمحم، علی نجیب عطوی، فؤاد سید، مهدی ناصرالدین و علی عبدالساتر، بیروت: دار الكتب العلمية، پنجم.
٢٥. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، (١٤٣٢ق)، *سنن ابن ماجه*، قاهره، مصر: دار ابن الجوزي.
٢٦. ابن مردويه، احمد بن موسی اصفهانی، (١٤٢٢ق)، *مناقب علي بن أبي طالب و ما نزل من القرآن في علي*، محقق: عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، قم: دار الحديث.
٢٧. ابن مغزلی، علی بن محمد، (١٤٠٢ق)، *مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام*، تهران: المكتبة الاسلامية، دوم.
٢٨. ابن هشام، عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، (بی تا)، *السيرة النبوية*، محقق: مصطفى سقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبي، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٩. ابوسعده، عبد الملك بن محمد بن إبراهيم النيسابوري الخركوشي، (١٤٢٤ق)، *مناهل الشفاء ومناهل الصفا*، بی جا: دار البشائر الإسلامية.
٣٠. ابونعیم اصفهانی، أحمد بن عبد الله بن أحمد، (١٤١٧ق)، *فضائل الخلفاء الأربعة*، مدینه: دار البخاری.
٣١. _____، _____، (١٤١٦ق)، *حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء*، بیروت: دار الفكر.
٣٢. _____، _____، (١٤٢٢ق)، *معرفة الصحابة*، بیروت: دار الكتب العلمية.
٣٣. ابونعیم حداد، عبید الله بن الحسن، (١٤٣١ق)، *جامع الصحیحین بحذف المعاد والطرق*، دمشق: دار النوادر.

۳۴. ابی طاهر، محمد بن عبد الرحمن، (۱۴۲۹ق)، *المخلصیات وأجزاء أخرى*، قطر: وزارت اوقاف و شئون اسلامی دولت قطر.
۳۵. ابی عوانه، یعقوب بن إسحاق بن إبراهيم النیسابوری، (۱۴۱۹ق)، *مستخرج ابی عوانه*، بیروت: دار المعرفة.
۳۶. ابی یعلی، احمد بن علی بن مثنی، مسند ابی یعلی، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۶ق)، *التاریخ الصغیر*، محقق: محمود ابراهیم زاید، بیروت: دار المعرفة.
۳۸. _____، _____، (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة، دوم.
۳۹. _____، _____، (۱۴۳۰ق)، *صحیح البخاری*، محقق: محمد محمد تامر، قاهره: دار الآفاق العربیة، دوم.
۴۰. _____، _____، (۱۴۰۷ق)، *التاریخ الکبیر*، بیروت: دار الفکر.
۴۱. بغوی، حسین ابن مسعود، (۱۴۰۳ق)، *شرح السنة*، بیروت، دمشق: المکتب الاسلامی.
۴۲. _____، _____، (۱۴۲۴ق)، *معالم التنزیل*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۳. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *أنساب الأشراف*، محقق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
۴۴. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۱۹ق)، *السنن الکبری*، بیروت: دار الفکر.
۴۵. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۳۲ق)، *سنن الترمذی*، قاهره، مصر: دار ابن الجوزی.
۴۶. ثعلبی، ابواسحاق احمد، (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت علیهم السلام*، محقق: محمدباقر محمودی، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد.
۴۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، دوم.
۴۹. حسینی میلانی، علی، (۱۴۱۶ق)، *نفحات الازهار فی خلاصة عقبات الانوار*، قم: الحقائق.
۵۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (بی تا)، *تاریخ بغداد أو مدينة السلام*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۱. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۰۷ق)، *سنن الدارمی*، محقق: فواز احمد زمردلی و خالد السبع العلیمی، بیروت: دار الکتب العربیة.
۵۲. دویش، احمد بن عبدالرزاق، (۱۴۲۳ق)، *فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء*،

- جمع و ترتیب: احمد بن عبدالرزاق الدویش، ریاض: طبع و نشر رئاسة ادارة البحوث العلمية و الإفتاء.
٥٣. دینوری، ابن قتیبه عبدالله بن مسلم، (١٣٨٨ق)، *الإمامة والسياسة*، قم: منشورات الشريف الرضي.
٥٤. ذهبی، محمد بن احمد، (١٤١٧ق)، *سير أعلام النبلاء*، محقق: شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسي، بيروت: مؤسسة الرسالة، يازدهم.
٥٥. _____، (١٤٢٨ق)، *تذكرة الحفاظ*، محقق: شيخ زكريا عميرات، بيروت: دار الكتب العلمية، دوم.
٥٦. _____، (بی تا)، *تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام*، محقق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي.
٥٧. زمخشري، محمود بن عمر، (١٤٢٦ق)، *الفاثق في غريب الحديث*، بيروت: المكتبة العصرية.
٥٨. زهري، عبيد الله بن عبد الرحمن، (١٤١٨ق)، *حديث أبي الفضل الزهري*، ریاض: اضواء السلف.
٥٩. سبط بن جوزي، يوسف بن قزغلي، (١٤٢٦ق)، *تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الائمة عليهم السلام*، محقق: حسين تقى زاده، قم: مجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام.
٦٠. سبكي، عبدالوهاب بن علي، (بی تا)، *طبقات الشافعية الكبرى*، محقق: محمود محمد الطنحاي و عبدالفتاح محمد، بيروت: دار إحياء الكتب العربية.
٦١. سمعاني، عبدالكريم بن محمد، (١٤٠٨ق)، *الأنساب*، محقق: عبدالله عمر البارودي، بيروت: دار الكتب العلمية.
٦٢. سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، (١٤٢٣ق)، *تاريخ الخلفاء*، محقق: دكتور محمد كمال الدين، بيروت: عالم الكتب.
٦٣. _____، *جامع الأحاديث*، (١٤٢٤ق)، بيروت: دار الفكر.
٦٤. شوشتری، قاضي نورالله، (١٤١٧ق)، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل* (به همراه شرح و ملحقات آن)، معلق: مرعشي نجفی، قم: حافظ.
٦٥. صنعاني، ابوبكر عبدالرزاق بن همام، (بی تا)، *المصنف*، محقق: حبيب الرحمن اعظمی، بی جا: مجلس العلمي.
٦٦. طبرانی، سليمان بن احمد، (١٤٢٠ق)، *المعجم الأوسط*، دار الكتب العلمية، محقق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، بيروت.
٦٧. _____، (بی تا)، *المعجم الكبير*، محقق: حمدي عبدالمجيد سلفی، بی جا: دار إحياء التراث العربي، دوم.
٦٨. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٥ق)، *جامع البيان عن تأويل آي القرآن*، محقق: صدقي جميل العطار، بيروت: دار الفكر.

۶۹. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، تقریب التهذیب، محقق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دار المعرفة، دوم.
۷۰. _____، (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر.
۷۱. _____، (۱۴۰۷ق)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، قاهره: دار الریان للتراث.
۷۲. _____، (۱۴۰۷ق)، هدی الساری مقدمه فتح الباری، قاهره: دار الریان للتراث.
۷۳. _____، (۱۴۱۶ق)، لسان المیزان، محقق: عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۴. _____، (۲۰۱۰م)، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چهارم.
۷۵. عینی، ابو محمد بن احمد، (بی تا)، عمده القاری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۶. غماری، احمد بن محمد بن الصدیق، (۱۴۲۸ق)، فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی، محقق: عمار عبدالامیر الفهداوی، قم: دلیل ما.
۷۷. غوری، عبدالماجد، (۱۴۲۸ق)، معجم المصطلحات الحدیثیه، دمشق: دار ابن کثیر.
۷۸. قاضی عیاض، عیاض بن موسی الیحصبی الاندلسی، (۱۴۲۰ق)، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، دمشق و بیروت: دار الفیحاء و مکتبه الغزالی.
۷۹. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۲۷ق)، الجامع لأحكام القرآن، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت: المکتبه العصریه.
۸۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، ینابیع الموده لذوی القربی، محقق: سیدعلی جمال أشرف الحسینی، قم: دار الأسوة، دوم.
۸۱. کرمانی، محمد بن یوسف، (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری بشرح الکرمانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸۲. مالک، مالک بن انس بن مالک بن عامر الأصبحی المدني، (۱۴۰۵ق)، موطأ مالک بروایة محمد بن الحسن الشیبانی، بی جا: المکتبه العلمیه.
۸۳. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، (۱۴۳۰ق)، تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۸۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۵ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، محقق: شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرساله، پنجم.

٨٥. مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.
٨٦. مری، المهلب ابن احمد ابن ابی صفره، (١٤٣٠ق)، المختصر النصیح فی تهذیب الكتاب الجامع الصحیح، ریاض: دار التوحید - دار اهل السنه.
٨٧. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، (١٤١٤ق)، تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، بیروت: دار الفكر.
٨٨. مسعودی، علی بن حسین، (بی تا)، مروج الذهب و معادن الجوهر، محقق: مفید محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٨٩. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (١٤٠٥ق)، مقاتل الطالبیین، امیر قم، محقق: کاظم المظفر، قم: امیر، دوم.
٩٠. مناوی، محمد عبدالرؤوف، (١٤١٥ق)، فیض القدر شرح الجامع الصغیر من أحادیث البشیر النذیر، محقق: احمد عبدالسلام، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٩١. نسائی، احمد بن شعیب خراسانی، (١٤١١ق)، السنن الکبری، محقق: عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٩٢. —، — (١٤٢٨ق)، سنن النسائی، بیروت: دار المعرفه.
٩٣. —، — (بی تا)، خصائص أميرالمومنین عليه السلام، محقق: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
٩٤. نووی، یحیی بن شرف، (١٤٢٨ق)، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: المکتبه العصریه.
٩٥. —، — (١٤٣٠ق)، تهذیب الأسماء واللغات، محقق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دار النفائس، دوم.
٩٦. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، (١٤٢٨ق)، بیروت: دار المعرفه، دوم.
٩٧. —، — صحیح مسلم، (بی تا)، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
٩٨. هیشمی، علی بن ابی بکر، (١٤٠٨ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٩٩. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.